

نشست راهبردی (۱۲)

تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عربستان و عراق در نگرش زائران
ایرانی (با تمرکز بر زائران نخبه)

مؤسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر

پژوهشکده حج و زیارت

گروه مطالعات اجتماعی

اسم المولى



مؤسسه تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران و
پژوهشگاه حج و زیارت برگزار می کنند

نشست تخصصی

تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عربستان و عراق بر
نگرش زائران ایرانی
(با تمرکز بر زائران نخبه)

مکان: مؤسسه ابرار معاصر تهران
زمان: دوشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۸ ساعت ۱۴

مؤسسه تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
و پژوهشگاه حج و زیارت

دیباجه

تولید علم و پیشبرد آن منحصر به تدوین کتاب یا مقاله نیست، بلکه بسیاری از قدم‌های مؤثر در کرسی‌های آزاداندیشی و نشست‌های علمی برداشته می‌شود. از این رو پژوهشکده حج و زیارت - همسو با اهداف پژوهشی تعیین شده و تولید آثار متعدد و متنوع در قالب کتاب، مقاله، نرم‌افزار و غیره - اقدام به برگزاری نشست‌های علمی با حضور نظریه‌پردازان و اندیشمندان عرصه حج و زیارت کرده است.

یکی از عرصه‌های مهم مطالعاتی در این مورد، مطالعات راهبردی است که توجه ویژه‌ای به سیاست بین‌الملل، ژئواستراتژی، دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی، اهداف و ساختارهای سازمانی، محیط‌کاوی راهبردی و بررسی مسائل به منظور تحقق مأموریت‌ها در عرصه حج و زیارت دارد. مطالعه راهبردی به تبیین و تجویز رشته‌ای از راهبردها، الگوها و طرح‌های راهبردی می‌پردازد و به دنبال ایجاد زاویه دید و نگاه‌های کلان برای مدیران، سیاست‌گذاران و کارشناسان است. مطالعات راهبردی، مبتنی بر روش تعاملی و گفت‌وگو محور است و مطالعاتی کلان محسوب می‌شود. از این جهت با برگزاری



نشست‌ها و میزگردهای علمی تناسب بسیاری دارد.

در این نشست‌ها، آخرین نظریه‌پردازی‌ها در موضوع حج و زیارت مطرح، و در حضور فرهیختگان حوزه و دانشگاه، روحانیان کاروان‌ها و نیز متخصصان رشته مربوط بررسی و تحلیل شده است. پژوهشکده حج و زیارت ضمن قدردانی از نظریه‌پردازان، نقادان و شرکت‌کنندگان در این نشست‌ها، اقدام به انتشار مباحث یادشده در قالب کتابچه کرده تا مورد استفاده علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان عرصه حج و زیارت قرار گیرد و روزه‌ای بر اندیشه‌های نو و نظریه‌پردازی‌های جدید در این عرصه شود. امید است این زحمات مقبول حضرت بقیةالله‌الاعظم (عج) قرار گیرد.

معاونت پژوهش

پژوهشکده حج و زیارت

سخنان دبیر جلسه آقای دکتر آجورلو



بسم الله الرحمن الرحيم. از اینکه قبول زحمت کردید و به این جلسه تشریف آوردید، تشکر می‌کنم؛ امیدوارم این گردهمایی برای شما مفید باشد. خدای متعال حج را اقدامی برای انسجام امت و تقویت گفتمان اسلامی قرار داده است. از دل این موضوع، شاید موضوعات مختلف بسیاری بیرون آید؛ از جمله آسیب‌ها، فرصت‌ها و مباحثی است که نسبت به این موضوع انجام می‌شود. شاید بعضی موضع‌گیری‌ها و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کنیم منجر به آسیب شود. در چند سال اخیر مسئله اربعین هم به نوعی در جامعه، حداقل جهان شیعی، نوعی مباحث مشابه پدید آورده است که هر کدام جایگاه خودش را دارند. در این زمینه سوالاتی پیش می‌آید؛ از جمله اینکه هر کدام چه ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی دارند؟ ما به عنوان دولتی اسلامی با گفتمان اسلامی باید چه سیاست‌هایی اتخاذ کنیم و چه رویکردهایی برگزینیم؟

در همین زمینه همکاری‌ای با پژوهشکده حج و زیارت شکل گرفته است و ان شاء الله در نتیجه بتوانیم هم نیازهای در حوزه حج و زیارت و هم نیازهای در حوزه مخاطرات امنیت بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران را بررسی کنیم. این موضوعات ما را به جلسه امروز رساند. در این جلسه در پی پاسخ به این سؤال هستیم که تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و عموماً تحولات کشورهای منطقه که چه در اربعین و چه در حج میزبان‌اند (برای مثال تحولاتی که در عربستان روی می‌دهد چه سیاسی باشد و چه اجتماعی) چه تأثیری در زائران به طور عام و به‌ویژه بر زائران نخبه ایرانی خواهد داشت؟ شاید مردم عادی در آنجا تحت تأثیر تحولات کشور میزبان سمت و سویی پیدا کنند که البته مهم است؛ ولی تأثیر گرفتن نخبه دانشگاهی یا نخبه حوزوی ما که خود مرجع فکری است، چه تأثیراتی دارد؟ مبنای این جلسه چنین است؛ چون برون‌دادش را در بحث اربعین نیز می‌بینیم. دوستانی داشتیم از راهپیمایی اربعین می‌آمدند. ما در این باره کار میدانی مشترکی با یکی از مؤسسات داشتیم. نشانه‌هایی به دست آمد مبنی بر اینکه تحولات اکتبر عراق، قبل و بعد از اربعین، در ایران تأثیر گذاشته است؛ یعنی بسیاری از زائران مذهبی و حزب‌اللهی تحت تأثیر تحولات عراق می‌پرسند چرا آنها به گرانی اعتراض کردند و ما نکنیم. بنابراین سرایت وقایع کشورهای میزبان بسیار برای ما جدی است این سرایت، از این جهت که ما مؤسسه‌ای با نظر به مخاطرات امنیت هستیم، برای ما دغدغه



است. همچنین در حیطه حج چنین دغدغه‌ای وجود دارد که باید آن را مدیریت کرد و در نتیجه هم اربعین و هم حج باشکوه‌تر برگزار شود. ما با این دو دیدگاه هم بحث مخاطرات و بحث برگزاری و حفظ فرایض دینی و شعائر اسلامی وارد این بحث شدیم.



سخنان آقای صباح زنگنه



بسم الله الرحمن الرحيم. هم حج و هم اربعین هر کدام منسک و نوعی مراسم به شمار می‌آید. این مراسم به تدریج در فصل‌هایی از تاریخ به مقوله‌ای سیاسی تبدیل می‌شود و در ادامه آثار و تبعاتی پیدا می‌کند. در این جلسه از بحث حج شروع می‌کنیم و سپس به بحث اربعین می‌پردازیم.

اولاً برگزاری حج و مشرف شدن به آن واجبی شرعی است؛ اما فقط به افراد مستطیع تعلق می‌گیرد. بنابراین طبقه اقتصادی خاصی می‌تواند به حج برود که طبقه متوسط به بالاست. از این رو آثار و انعکاس مسائل اجتماعی عربستان بر این زائران کمتر خواهد بود، مگر تقریباً مسئله ثبات قیمت‌ها. حاجیان ما همیشه می‌گویند نوشابه در گذشته یک ریال بود و هنوز هم یک ریال است. البته الان کمی گران‌تر شده است؛ مثلاً منتقدان می‌گویند

خودکار بیک در زمان هویدا آن مبلغ بود و الان این مبلغ است. هویدا طی سیزده سال نخست وزیری گویا قیمت را ثابت نگه داشته بود. این نوع مثال‌ها مثال‌هایی عمومی است؛ ولی وقتی ما بعد سیاسی حج را پررنگ کردیم و گفتیم حج محل برائت از مشرکان است؛ مشرکان را نیز معرفی کردیم و مصداقشان را نشان دادیم - آن هم در کشوری که وابسته به آن مشرکان است و حیات و ممات سیاسی و اجتماعی، امنیت و بقای حکمرانی‌اش وابسته به آنهاست - طبعاً آنها واکنش نشان می‌دهند و تحریک می‌شوند به اینکه برخلاف نظریات یا گفتمان ما اقداماتی کنند. این گفتار امام خمینی علیه السلام پرچالش‌ترین گفتمان در برابر حاکمیت عربستان بود و هنوز هم هست که به ائتلاف‌سازی عربستان و کشورهای منطقه با آمریکا و خرده‌کشورهای خلیج فارس انجامید و اینها نگران آثار و تبعات این گفتمان سیاسی که در حج تجلی پیدا کرده است و شعار صریح گفته می‌شود، بودند. آثار هم مثبت و هم منفی دارد. از جمله آثار مثبت در مسلمانان سایر کشورها اینکه قدری آنها را آگاه کرد؛ قدری شجاعت و جرئت و جسارت به ایشان داد که در برابر حکومت‌های وابسته به اجانب ایستادگی کنند. همچنین حج پلی ارتباطی بود؛ چنان‌که رهبران مقاومت فلسطین (نه آنها می‌توانستند به ایران بیایند و نه ما می‌توانستیم به فلسطین برویم) یا بسیاری از علما و شخصیت‌های سیاسی مصر را در حج می‌دیدیم و آنها را تشویق و تهییج به مقاومت می‌کردیم. آثار منفی از جمله اینکه کشورهای مذکور شروع کردند



به همکاری با عربستان. این همکاری کشورها کمتر و در برخی بیشتر است؛ مثلاً در پاکستان، عربستان دقیقاً بر طایفه‌گری و مذهب و شیعه بودن ایران انگشت گذاشت و مدارس پاکستان را علیه ما بسیج کرد؛ چنان‌که آنها را بازسازی و مسلح و مجهز کرد و به این وسیله دست به کشتار وسیع شیعیان زد. در مقابل، ما چندان خود را برای مواجهه یا کنترل و هدایت تأثیرات این حضور و گفتمان آماده نکرده بودیم. پیش می‌رفتیم و دستاوردهایی نیز داشتیم و از سوی دیگر به تلاش‌ها و دستاوردهای گروه‌های بعدی امیدوار بودیم. آنچه تا حال گفتیم، به لحاظ سیاسی بود.

به لحاظ اجتماعی، در داخل عربستان، تأثیراتش بسیار محدود بود. قشرهایی که می‌توانستند با ما همکاری کنند، شیعه بودند که تحت محدودیت و فشار، بلافاصله پس از ارتباط با ما، تحت تعقیب قرار می‌گرفتند. روشنفکران عربستان نیز در ایام حج به مکه و مدینه نمی‌آیند و اکثر مردم شرکت‌کننده در مناسک حج که غیر از عمره است، قشری متعبد و متعهد است. نیز اهل سنت عربستان از طیف‌های مختلف حنبلی و شافعی و مالکی بودند. مالکی‌ها به ما نزدیک‌تر می‌شدند و شافعی‌ها تا اندازه‌ای با ما همکاری می‌کردند؛ ولی حنبلی‌ها شمشیر را از رو می‌بستند و علیه ما فعالیت می‌کردند. برای کاسب‌ها و بازاری‌های عربستان حضور جمعیت عظیم ایرانی درآمد خوبی در پی داشت؛



ولی تظاهرات و شعارهایشان تهدیدکننده بود و موجب تعطیلی بازار می‌شد و اعتراض کسبه را به همراه داشت. همچنین در عربستان تحرک چشمگیر مردمی، اجتماعی و سیاسی علیه حاکمیت وجود ندارد. ولی رفاه عربستان برای مردم ما سؤال برانگیز بوده است؛ حتی برای طبقه متوسط. ما سالیانی دراز، در زمان جنگ و بعد از جنگ و در دوران تحریم‌ها، در بعد اقتصادی مشکلاتی داشتیم. نارضایتی‌هایی در میان بود، در این حد که مثلاً فلان پارچه در مکه موجود است و در ایران نیست؛ از جمله چادر سیاه. بسیاری از افراد چادر سیاه را از عربستان می‌خرند و می‌آورند. و کشور ما، که صد تا دویست میلیون متر در سال چادر سیاه مصرف دارد، هنوز آن را تولید نمی‌کند.

ضمناً ما هیچ کار منسجم و سازمان‌یافته‌ای برای تدوین، تبیین و به اجرا گذاشتن آیه «لِيُشْهِدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» تدارک ندیده‌ایم. منافع ملت‌ها چیست و آیا منحصر به منفعت سیاسی است؟ البته این بحثی کلان است. مردمی که به حج می‌روند، می‌توانند تغییر کلان سیاسی ایجاد کنند یا نه؟ این امر نیاز به برنامه‌ریزی دارد. همچنین سازمان‌ها، مؤسسات و نیروهای ما کمتر در زمینه منافع و مبادله اقتصادی ملت‌های حج‌گزار اقدام کردند. اقدام در این زمینه محدود شد به اینکه سازمان حج ساختمانی در عربستان اجاره می‌کند و قراردادی برای مواد غذایی می‌بندد و هواپیمایی نیز سود می‌برد، گرچه دیگر پروازهای کشور مختل شود.



در مورد گوشت قربانی نیز مسائل بسیاری وجود داشت و علمای ما در ابتدا نمی‌پذیرفتند که گوشت قربانی از مکه وارد کشور شود و بعد که پذیرفتند، شرط و شروطی برای آن گذاشتند و پس از برداشتن این شرط هنوز در امر قربانی مسائلی وجود دارد.

در اربعین نیز مردم به طور طبیعی به کربلا می‌رفتند که ما آن را در حد سه تا چهار میلیون جمعیت سازماندهی کرده، پیش از اربعین یکی - دو ماه تبلیغ و شور ایجاد کردیم. تأکید ما بر اربعین و فرستادن جمعیت سه تا چهار میلیونی، برای عربستان، علاوه بر مسائل اقتصادی‌اش، به لحاظ اعتبار و حیثیت و توان و ظرفیت گران است؛ چراکه مناسک به سمت کربلا سوق داده شده، گویی جایگزین مکه و مدینه می‌شود. علاوه بر این، دولتمردان عراق و اشغالگران آمریکایی نیز این حرکت را یک اظهار اقتدار و توان یا چالش از سوی ایران تلقی می‌کنند و به گفته عرب‌ها تحدی می‌دانند، نه امر ساده معمولی؛ چراکه همه مقامات ما، از بالا تا پایین، درگیر این حرکت می‌شوند؛ چنان‌که دولت و در کل، کشور، با حمایت رهبری تعطیل می‌شود. اتوبوس‌ها تعطیل می‌کنند. پروازها چی می‌شود. جاده‌ها چی می‌شود حالا غیر از تصادف و اینها. مقام معظم رهبری چند بار از این حرکت تمجید کردند و حتی در کسانی که ایمانی ضعیف دارند نافذ و تأثیرگذار بوده است. در نتیجه همه به سمت اربعین کوچ می‌کنند. بعد از قرن‌ها مشکلات و کشتار،



قطع کردن دست‌ها و پاها، کور کردن چشم‌ها و باج گرفتن‌ها در راه رفتن به کربلا، حالا بدون ویزا و گذرنامه، فقط با یک برگه عبور، مردم به کربلا می‌روند. از دیدگاه ما این اقتدار شیعه است؛ اما ائتلاف عربستان آن را نوعی تهدید می‌بیند و سعی در برهم زدن و تعطیلی آن دارد؛ مثلاً [کاری کند تا] بین نیروهایی که آنها در خیابان‌ها و میدان‌ها سازماندهی کردند و زائران ما درگیری پیش‌آید و مردم و دولت ایران را از اعزام زائر پشیمان سازد. این امر هیچ بعید نیست و امسال به زحمت مدیریت شد. آمریکایی‌ها اصلاً موافق نیستند؛ اما [عربستان] حج طراحی و برنامه‌ریزی می‌کند، برضد پدیده اربعین که ما به عنوان حج به آن نگاه می‌کنیم بحث معنوی‌اش را، فکریش و آثارش به جای خود؛ ولی جمعیت عظیم چهارمیلیونی تهدید جدی است. اگر اینها بمانند چه می‌شود؟ رسوب می‌کنند و می‌مانند. دولت عراق نیز این همه امکانات ندارد که آنها را کنترل و بیرون کند. از زائران خواسته شده که زیارت کنند و برگردند و بعضی مراجع نیز گفته‌اند قبل از روز اربعین هم می‌توانید زیارت کنید و پذیرفته است. بدین ترتیب قدری از شدت و حدت راهپیمایی و زیارت کاسته شد. باید دقت و مراقبت کرد که در صورت درگیری، ما فقط زیان خواهیم کرد.

مراسم اربعین، آثار معنوی و اخلاقی و تربیتی فوق‌العاده‌ای دارد؛ ولی آثار سوئی هم دارد. چنانچه دقت کرده باشید، مطالب و فیلم‌ها و گزارش‌ها درباره اربعین امسال در



رسانه‌های غربی چند برابر سال پیش است. خیلی از اینها سازمان‌های امنیتی‌شان بودند که به اسم رسانه کارهای امنیتی می‌کنند، سازماندهی می‌کنند و ارتباط می‌گیرند. اینها را باید فکر کرد؛ برایش محاسبه کرد. تظاهرات عراق حتماً در این زائرانی که رفتند و آمدند بی‌تأثیر نبوده است؛ به خصوص زائران مناطق جنوبی ما، خوزستان، هم هم‌زبان‌اند و هم مشکلات مشابه دارند؛ مثلاً هر دو آب ندارند یا مشکل برق دارند. هر دو با بیماری و عدم رسیدگی بهداشتی و فقر و بیکاری مواجه‌اند و هر دو از فروش نفت کشورشان نصیبی نمی‌برند. تا مدتی می‌توان بر این نارضایتی‌ها و اعتراضات سرپوش گذاشت؛ ولی در نهایت سر باز می‌کند و باید برای آن تدابیری اندیشید.

یکی از حضار: آقای دکتر زنگنه، هم سابقه بسیاری در این زمینه دارند و هم در هر دو منطقه حضوری فعال داشته‌اند. چند نکته در صحبت‌های ایشان ویژه بود. یکی بحث مخاطبان حج بود که گویا قدری با مخاطبان اربعین تفاوت دارد؛ مثلاً بیشتر کسانی که به حج می‌روند، از طبقه متوسط جامعه‌اند، چه اجتماعی و چه اقتصادی. طبقه زائران اربعین قدری همگانی است. به همین دلیل، تأثیر حج شاید در بخش نخبگان بیشتر باشد؛ ولی در اربعین تأثیر همگانی است. به نظر من این نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه کرد.



به علاوه، ما با همکاری مؤسسه اندیشه‌سازان نور، با آن وابستگی‌هایی که دارند، پروژه‌ای را امسال درباره اربعین مشترکاً انجام دادیم و تیم تحقیقاتی مشترکی فرستادیم. بازخوردهایی که گرفتیم، دقیقاً همین گزاره‌های شما را تأیید می‌کرد. سطح تنش به شدت بالا بود. این تنفر از ایرانی‌ها که دارد برانگیخته می‌شود، همین امسال هم در آستانه بحران بود. با توجه به شهادت حاج قاسم سلیمانی، تضعیف مواضع حشدالشعبی بسیار نگران‌کننده است که در اربعین سال آینده قطعاً موضوعی بسیار پیچیده خواهد بود و به نظر می‌رسد باید از همین امروز برای آن چاره‌ای اندیشید.

مسئله بسیار مهم دیگر که کمتر به آن پرداخته می‌شود، این است که اربعین از نظر ما فرصت است و از نظر همه تهدید؛ اما حج برای همه فرصت است، هم برای ما و هم برای سعودی‌ها، این هم به نظر من یکی از مباحثی است که باید به آن توجه کرد.



سخنان حاج آقای رحیمی

از نکات اساسی و کلیدی جناب آقای زنگنه بهره بردیم. بنده در تکمیل سخنان ایشان مواردی را بیان می‌کنم. در بحث سعودی، یکی از مواردی که بسیار چشمگیر است، نگاه اقتصادی زائر است، زمانی که از آنجا برمی‌گردد. البته زائران - چنان‌که فرمودند - از طبقات مختلف اقتصادی هستند؛ مثلاً همان طور که می‌دانید، بلوچ‌ها نوعاً از طبقات پایین‌اند و چون درآمد بالایی ندارند معمولاً در هتل‌های «سه الف» یعنی در پایین سطح اسکان داده می‌شوند. یک زائر بلوچ داشتیم که حدود هفت - هشت هزار دلار او را در مسجد الحرام دزدیده بودند؛ اما چون آدم با مکنت و ثروتمندی بود، بلافاصله تماس گرفت و از امارات برایش مبلغی حدود هفده - هجده هزار دلار حواله کردند و در همان مکه یکی از همان صراف‌ها رفت و حواله را دریافت کرد. ما در بررسی وضعیت هتل و نارضایتی‌ها و مشکلات زائران در این باره، دیدیم برخی افراد بلوچ و از زاهدان و سیستان و بلوچستان



اعتراض می‌کردند که چرا برای ما هتل‌های ارزان اجاره می‌کنند و برخی از آنان می‌گفتند هتل چهل میلیونی هم می‌توانیم اجاره کنیم. منظور این است که به لحاظ اقتصادی، زائران از طبقات و قشرهای مختلف‌اند. از آن طرف نیز بعضی زائران حتی نمی‌توانستند سوغاتی برای خانواده‌شان تهیه کنند و از این وضعیت در فشار بودند.

همان طور که فرمودند، زائران ما وقتی به مکه و مدینه می‌روند (جده و شهرهای دیگر هم هست؛ از جمله ریاض که وضعیت بسیار بهتری از لحاظ شهرسازی و نظافت و ساختمان‌سازی دارد) و وضعیت آنجا از جمله هتل‌ها، امکانات و ماشین‌ها را می‌بینند، آن را با امکانات کشور خود مقایسه می‌کنند و اینجاست که برایشان سؤال پیش می‌آید و معمولاً اولین سؤال این است: حقوق ماهیانه سعودی‌ها چه قدر است؟ فرض کنید حقوق عادی یک کارمند ماهانه می‌شود پنج‌هزار ریال سعودی غیر از مداخل و درآمدهای دیگر که به پول ما یعنی بیست میلیون تومان. اینجا احساس سرخوردگی برای زائر ما ایجاد می‌شود. حکومت سعودی به حدود شصت درصد مردم که از لحاظ مالی ضعیف‌اند، ماهیانه سیصد ریال سعودی کمک می‌کند؛ چیزی شبیه یارانه ماهانه ما. دانشگاه‌ها در آنجا نوعاً مجانی است؛ مگر برای خارجی‌ها که گاهی مجانی است و گاهی هزینه دارد مثل دانشگاه خصوصی؛ اما به دانشجویان سعودی ماهیانه کمک تحصیلی هفتصد



ریالی تعلق می‌گیرد. مثالی زده شد که زائران معمولاً می‌گویند پپسی چهل سال پیش در عربستان یک ریال بود و الآن هم یک ریال است. در واقع نرخ ارز سال‌هاست از آن ۳/۷۵ ریال در ازای یک دلار هیچ تغییری نکرده است. همچنین بنزین گران شده است، ولی در زندگی مردم هیچ اثری نگذاشته است. زائر ما شهروند سعودی را در فروشگاه‌هایی، که گاهی مثل شهر می‌ماند، می‌بیند که بی‌محابا همه چیز می‌خرد و تنوع جنس هم بسیار است. این دیده‌ها با توجه به شرایط اقتصادی ما به ویژه در سال‌های اخیر، در ذهن و روح زائر ما بسیار تأثیرگذار است. مثال دیگر ماشین است؛ اگر به ایران نگاه کنید ماشین لکسوس ۵۷۰۰ سی‌سی یا ماشین مدل ۲۰۱۲ به بالا بسیار کم است؛ ولی امسال در عربستان که دقت می‌کردم، می‌دیدم مثل پراید یا پژو که در اینجا زیاد است، تعداد زیادی زیر پای آدم‌های عادی است؛ یا تاکسی‌های آنها را زائر ما با تاکسی پراید مقایسه می‌کند. در کشور ما تویوتا عادی با نرخ جهانی هفت هزار دلار است، حدود صد میلیون تومان. ولی با احتساب هزینه‌های پلاک و مالیات و مانند اینها ممکن است به قیمت چهارصد پانصد میلیون تومان به دست مصرف‌کننده برسد. این دقیقاً بازتاب دید زائران ماست. این را که من عرض می‌کنم چون با تعدادی از مدیران سازمان و حتی دوستان بعثه نشستیم و بررسی کردم. الآن هم خودم که سال‌هاست در این مسیر هستم.



یا مثلاً همین مسجدالحرام خب یک نمادی است؛ آن ساختمان‌های اطراف، من خودم خیلی در این مورد فکر نکردم؛ ولی این بازخورد را گرفتم که زائران ما مبهوت آنها می‌شوند. البته الآن وضعیت اقتصادی سعودی قدری ضعیف شده است و پروژه‌هایی که در دست دارد بعضاً به‌کندی پیش می‌رود؛ ولی قبل از این زائر ما می‌دید که بسیاری از پروژه‌ها به سرعت و با امکانات بسیار پیشرفته دارد جلو می‌رود و آن را مثلاً با حرم امام رضا (ع) مقایسه می‌کرد. در گذشته، در بازار ابوسفیان، مغازه‌های سنتی و بساط‌هایی بود که الآن همه جمع شده است و جایش را مجتمع‌های بسیار بزرگ با امکانات کامل گرفته است. در حج و زیارت، ما زائران را توجیه می‌کنیم که در مکه دنبال خرید نباشید؛ چون این سفر، سفری روحانی است؛ ولی مردم به‌رحال در همین وضعیت هم خرید می‌کنند و بعضی مغازه‌ها را می‌بینی که پر از ایرانی است؛ با این تفاوت که زائران ما قبلاً همه چیز می‌خریدند و الآن اجناس ارزان‌تر مثل روسری می‌خرند. بنابراین مسئله ارزی از مسائلی است که سرخوردگی روحی برای زائر ایجاد می‌کند.

نکته‌ای دیگر اینکه البته جدید است و حاج آقای زنگنه اشاره فرمودند؛ الآن در سعودی تغییراتی پیش آمده و هزینه‌های نظامی جنگ یمن مشکلات اقتصادی ایجاد کرده است. رویکرد رهبری سعودی تغییر کرده است. سعودی برای پروژه ۲۰۳۰ خود



شدیداً به دنبال درآمدزایی است. در گذشته، در عربستان به راحتی به کسی ویزا نمی‌دادند؛ اما الآن اعلام کرده‌اند که ویزای سالیانه یا توریستی می‌دهند و انواع و اقسام ویزاها را مثلاً با مبالغ ششصد و هفتصد ریال دسته‌بندی کرده‌اند. حتی تعاریفی که دارند تعاریف اقتصادی است؛ یعنی کسی که سرمایه‌گذاری کند، تسهیلات بیشتری به او تعلق خواهد گرفت. در بحث عمره، قبلاً احساس می‌کردند هرچه زائر ایرانی بیشتری بیاید تهدید است؛ ولی الآن به آن به چشم فرصت نگاه می‌کنند؛ یعنی به دنبال این هستند که هرچه بیشتر زائر جذب کنند؛ خصوصاً در عمره که فضا بازتر است و مشکلاتی کمتر از حج تمتع دارد؛ همچنین برای ویزای حج، قبلاً پول نمی‌گرفتند؛ اما الآن برای هر ویزا سیصد ریال می‌گیرند؛ چون واقعاً مشکل اقتصادی دارند. حتی نگاه اجتماعی، فرهنگی و دینی‌شان متفاوت شده است؛ مثلاً به لحاظ اجتماعی، قبلاً زنان از کمترین حقوق برخوردار بودند؛ اما الآن در فروشگاه‌ها و هتل‌ها الزاماً زن استخدام می‌کنند. حتی در جهت رفع بیکاری، در هتل‌ها و مراکز خدماتی، فرودگاه‌ها و ادارات، دختران و پسران جوان را به کار گرفته‌اند؛ برای نمونه هتل‌ها ملزم شده‌اند که در زمان تعطیلی مدارس، دانش‌آموزان را در ایام حج و عمره به کار گیرند و ماهانه به آنها هزار ریال حقوق دهند. در مورد حقوق زنان، قبلاً بدون اجازه همسر پاسپورت صادر نمی‌کردند؛ اما این محدودیت‌ها را برداشتند. چیزی که به چشم زائر ما می‌آید، این است که یکی - دو سال است، مخصوصاً بعد از حج ۹۶



و حادثه منا، اینها زنان را به صحنه آوردند و به طور مشخص در فرودگاه‌ها هیئت‌هایی گذاشتند و فرش قرمز پهن کردند و موزیک و شیرینی بین زائران پخش کرده‌اند. بازخورد زائران امسال این بود که اینها این طور که ما فکر می‌کردیم هم نیستند. این خط سیاسی - فرهنگی‌ای است که سعودی‌ها دنبال می‌کنند. سال‌های قبل، اگر در بقیع، مدینه، مسجد نبوی شریف و مسجد الحرام کوچک‌ترین اجتماعی شکل می‌گرفت و چند نفر خیلی آرام دور هم می‌ایستادند، به همراه روحانی یا مداح، آنها را متفرق می‌کردند؛ ولی امسال اصلاً چنین چیزی نبود. زائران ما جمع می‌شدند به همراه روحانی‌ای نه با صدای آن چنانی - در حد معمولی - و برخوردی نمی‌دیدند. چون ما در خیابان و معابر این اقدامات را رصد می‌کردیم یا مواردی را که دستگیری پیش می‌آمد، پیگیری می‌کردیم. حتی سیاست سعودی در امر به معروف و رفتار هیئت امر به معروف و نهی از منکر کاملاً تفاوت کرده است؛ یعنی کلیه روحانیان تندروی وهابی را خارج کرده بودند. لذا سیاست برخورد اینها در زائر ما تأثیرگذار است. همچنین در این زمینه، زائر ایرانی را از برائت جستن منع کردند و مثلاً خواندن دعای کمیل را در مدینه اجازه نمی‌دهند؛ یعنی به جای تذکر دادن و درگیر شدن با کسانی که شعار می‌دهند یا به هر نحوی برائت می‌جویند، صورت مسئله را پاک کردند و چند سالی است که به همین ترتیب پیش می‌روند. برای تأثیر گذاشتن بر زائر به اقدامات دیگری هم روی آورده‌اند؛ مثلاً قطار سریع‌السیر مکه و مدینه را راه‌اندازی کرده‌اند.



همان طور که می‌دانید مسیر مکه - مدینه حدود ۴۶۰ کیلومتر یعنی چهار پنج ساعت - با احتساب پست‌های بازرسی - طول می‌کشید؛ ولی الآن با قطارهای سریع‌السیر دوساعته یا کمتر از یک ساعت و ۴۵ دقیقه زائران را می‌برند. ایستگاه‌ها نیز کاملاً امروزی و مدرن است.

همچنین بنرهایی در شهر نصب کرده بودند با این عنوان: «۲۰۲۰ الی مذاهب»، «الی مذاهب» یعنی اینجا دیگر حنبلی و شافعی و شیعی و غیر شیعی و سلفی معنا ندارد. یک مناسک انجام می‌شود که ما می‌گوییم. پیشاهنگ‌ها، لبخندزنان، در استقبال‌ها برخورد بسیار خوبی با زائران دارند؛ مثلاً امسال در منا، به سبب حادثه سال ۹۶، بعثه و سازمان حج برای پیشگیری از این دست حوادث، سیاستی طراحی کردند. در این میان، از آنجا که هوا در منا بسیار گرم است، کادرهای حج و زیارت و بعثه به زائران آبرسانی می‌کنند. آنچه احساسات برانگیز بود، اینکه پلیس‌های سعودی با آب‌پاش به صورت زائران ما آب می‌پاشیدند تا آفتاب‌زده نشوند. بنابراین با این دست اقدامات، بنای سعودی بر تأثیرگذاری بر زائران است و به این شکل خط می‌دهند.

یکی از حضار: سؤال من این است که آن حج ۲۰۲۰ برای پلورال کردن حج است یا برای این است که روایت خودشان حاکم شود؟



باید در آن کمی دقیق‌تر شویم. آن حج هم پلورال کردن است و هم اینکه طرح بن سلمان پیش رفتن به سمت جامعه‌ای سکولار است؛ از جمله خواننده‌های خارجی و توره‌های خارجی را می‌آورند، همراه با رقاصه‌ها، و اقداماتی از این دست انجام می‌دهند تا آن ذهنیت منفی را که در پی ماجرای خاشقچی و همین‌طور اعدام‌ها و مسائل مختلف ایجاد شده است ترمیم کنند و بگویند در اینجا حقوق بشر و آزادی هست. در گذشته، شاهد مبلغانی به زبان فارسی از جمله تاجیک و افغان در بقیع و دیگر حرم‌ها بودیم. الآن کلاً این مبلغان را حذف کرده‌اند که فضا یک فضایی است که شما احساس راحتی می‌کنید. جالب اینکه در مدینه اتوبوس‌های دوطبقه با راهنمای انگلیسی‌زبان هست که زائران را مجانی، به همراه تغذیه، سوار می‌کنند و اطراف شهر احد و مناطق دیگر را نشان می‌دهند. می‌دانید که وهابیت با آثار تاریخی مشکل دارد و می‌گوید [آثار تاریخی] شرک است؛ اما حالا آثار تاریخی سعودی به یکی از محورهای مهم جذب توریست سیاحتی تبدیل شده است.

یکی از حضار: نگاه عقیدتی به نگاه اقتصادی تغییر می‌کند.

به نظر من مهم‌تر از بعد اقتصادی این است که شخص بن سلمان می‌خواهد نگاه دنیا از جمله افکار عمومی آمریکا و غرب را به عربستان تغییر دهد؛ احداث بعضی بنادر



تفریحی و مدرن برای جذب زائر است؛ چنان‌که حاج‌آقای قربانی فرمودند، ما امسال با سعودی‌ها صحبت کردیم - البته قبلاً پذیرفته بودند ولی ما پیگیری نکرده بودیم - که گوشت قربانی زائران ایرانی را خود سعودی‌ها به ایران بیاورند؛ مثلاً در اختیار کمیته امداد قرار بگیرد و به دست فقرا برسد.

یکی از حضار: درباره گوشت - چون مسئله مهمی است - می‌پرسم: با انتقال گوشت آیا سعودی‌ها می‌خواهند پیامی بدهند یا فقط قصد همکاری دارند؟

خیر؛ ببینید در سعودی این طور نیست که شخص از خودش چیزی بگوید. دقت کنید که این تعالیم و توجیهاتی از بالاست که مثلاً می‌گویند همکاری کنید؛ ولی این همکاری تا سطحی است. همه خواسته‌های ما را تا آن سطح قبول می‌کنند؛ ولی بالاتر از آن را نمی‌پذیرند؛ مثلاً در عمره امسال وزیر حج سعودی گفت: هر چیزی که شما بخواهید، احترام و امنیت و همه چیز را می‌پذیریم و وظیفه خود می‌دانیم؛ ولی فقط در سطح کنسولی؛ اما تجدید روابط سیاسی در دست ما نیست و در اختیار مرجع بالاتر است.

یکی از حضار: این همان بحث قدرت نرم است که نشان دهند این هبه عربستان سعودی است که گوشت‌هایتان را به شما می‌دهد.

شخصی درباره همین مسئله چیزی نوشت، که خب یک مقدار ما متزلزل شدیم به



لحاظ نگاه داخلی، و پرسید که چرا باید از سعودی بخواهیم که گوشت‌های قربانی زائران ما را به اینجا بفرستند؟ اما در مجموع سیستم به این نتیجه رسید باید چنین کاری انجام شود و گوشت‌ها در همین جا توزیع شود. از جمله اقدامات دیگر سعودی در این زمینه اینکه تعدادی از کشتی‌های کوچک ما را گرفتند و حتی افرادی را دستگیر کردند. در این میان کسانی را که صدمه دیده بودند، درمان کردند و بعد با تبلیغات تحویلشان دادند. انصافاً هم بیمارستان‌هایشان به صورت مجانی با بهترین امکانات در اختیار زائران ماست و هیچ کوتاهی‌ای در کار نیست؛ مثلاً امسال هیئت‌های نسائی آنها به هتل‌های ایرانی می‌آمدند و هدیه‌ای مثل روسری به زنان ایرانی تقدیم می‌کردند و به فارسی خوش‌آمد می‌گفتند. این طرحی از پیش تعیین شده است تا سعودی‌ها را خوش‌خلق نشان دهد. چون سعودی‌ها - چنان‌که حاج‌آقای صباح می‌دانند - به دلیل تکبرشان برخورد متکبرانه‌ای با سایر ملت‌های عرب دارند و از آنها کراهت دارند. شامی‌ها از آنها بدشان می‌آید. بنابراین این برخوردها بسیار تعجب‌آور و جدید است.

اما در بعد سیاسی و اجتماعی؛ مثلاً دانشجویان و نخبگان ما نوعاً می‌دیدند که جامعه سعودی جامعه‌ای خفقان‌آلود، و به لحاظ فرهنگی عقب‌افتاده است. جدا از بحث اقتصادی، به لحاظ فرهنگی، در گذشته نماز اول وقت و شرکت در نماز جماعت و اقامه



نماز جمعه برای سعودی‌ها بسیار مهم بود؛ چنان‌که از ما می‌خواستند در وقت نماز جلسه نگذاریم یا به اجبار مغازه‌ها را تعطیل می‌کردند. الآن تغییر رویه داده‌اند و فشارها را در این زمینه کم کرده‌اند.

در مورد عراق - البته تجربه آقای صباح زنگنه بیشتر است و ایشان متخصص حوزه عراق و کشورهای عربی است - من یک سال و اندی آنجا به صورت دائم در خدمت زائران بودم. اگر در عرائض اشتباهاتی می‌کنم حاج آقا تصحیح بفرمایند. از جمله مشکلات ما در آنجا خود خدام عتبه حسینی و عباسی یا عتبات دیگر بودند. برای نمونه یک بار بین زائر ما با یک سیطره (پست بازرسی) باب بغداد مشکلی پیش آمده بود. (البته شما هر فرهنگی را اگر به خوبی بشناسید می‌توانید با افراد آن ارتباط برقرار کنید. حتی درباره سعودی شاید ما بعضی اشکالاتمان به دلیل نداشتن شناخت کافی از آنهاست؛ چون در واقع شهروند کشور دیگر مثل من نیست؛ فردی است که خاستگاه تاریخی و قبیله و سطح فرهنگی خاص و عقاید خاصی دارد. نمی‌توان توقع داشت مثل من باشد. اگر شما بتوانید آن نقاط ضعف و قوت را پیدا کنید راحت‌تر می‌توانید با آنها مرتبط شوید). ما پیش‌حاجز و سیطره رفتیم و مسئله را پیگیری کردیم و تا اندازه‌ای دو طرف را آشتی دادیم تا پای پلیس به میان نیاید. همان‌طور که می‌دانید، در آنجا (البته این را من حُسن می‌دانم؛



اما در جامعه ما رایج نیست) اگر خدای نکرده فحشی به کسی بدهید، باید از او دلجویی یا حتی با پول راضی کنید. این رضایت ممکن است مثلاً با پنج هزار دینار به دست آید؛ در غیر این صورت باید به دادگاه بروید و حکمی مثل زندان یا جریمه بگیرید. دیدم مردی محترم و فرهنگی با لباس بسیار پسندیده ایستاد و فریاد زد که شما ایرانی‌ها از جان ما چه می‌خواهید؟ دست از سر ما بردارید و بگذارید زندگی‌مان را بکنیم. من او را آرام کردم و گفتم که چیزی نشده است. ما آن زمان با همکاران بعثه درباره این اختلافات فرهنگی صحبت کردیم. حرف من این بود که ما در این چندساله، نقشه فرهنگی نداشته‌ایم. تعداد زائران ما بسیار کم شده است. در هفته، دو پرواز و چند کاروان، آن هم مخفیانه، اعزام می‌کنیم؛ صبح زود از کربلا به کاظمین یا نجف. تا مبدا کسی زائران ما را در خیابان ببیند و سنگی پرتاب کند یا تجمع کنند و اتفاقی بیفتد. غرض اینکه متأسفانه شرایط به لحاظ ظاهری بسیار بدتر شده و فضا بسیار مسموم است که بخشی از آن در پی تحرکات خارجی و تبلیغات فراوان است. در مورد سعودی، همچنین یادم آمد که سال‌های قبل یکی از تبلیغاتی که علیه ما می‌کردند - غیر از اینکه می‌گفتند قرآن آنها قرآن ما نیست - این بود که اینها می‌گفتند می‌خواهند کعبه را از اینجا به ایران منتقل کنند.

در بعد اقتصادی، ضعیف شدن پول ملی و پایین آمدن قدرت خرید در روحیه زائران



ما تأثیر گذاشته است. آنها مثلاً قیمت ماشین را در ایران با قیمت آن در سعودی و عراق و اقلیم کردستان مقایسه می‌کنند.

همچنین جناح‌هایی در عراق، که الآن زیاد شده‌اند، علیه ما کار می‌کنند و ارتباط خارجی هم دارند.



سخنان آقای دکتر محمدی



بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. من در سه بخش مطالب را خدمت شما عرض می‌کنم: ضرورت موضوع، آسیب‌ها و راهبردها. پیش از شروع بحث در مورد نکته اولی که در ابتدای جلسه فرمودید، در بحث همگرایی که هم در حج و هم در اربعین به دنبال آنیم، یکی از نکاتی که فکر می‌کنم در بحث‌های پژوهشی و راهبردی باید به آن توجه کنیم این است که درباره ظرفیت‌های همگرایی مطالعات زیادی درگرفته و مقالات بسیاری نوشته شده است؛ ولی در مورد آسیب‌ها و موانع چنین نیست و در این زمینه برخی موانع و چالش‌های فکری داریم که باید به آن توجه کنیم.

در مورد ضرورت موضوع، چند نکته را یادداشت کرده‌ام: یکی اینکه به‌هرحال رویکرد امام و رهبری به حج و زیارت با رویکرد اجرایی ستاده‌ها و سازمان‌های ما کاملاً متفاوت است که هم جای تعجب دارد و هم جای ناخرسندی. در زمان حضرت امام که بحث

عتبات چندان مطرح نبود، ایشان در مورد حج صحبت کردند. جالب اینجاست که برخی پیام‌های امام درباره حج قبل از انقلاب است؛ گمان کنم از سال ۴۲.

رویکرد امام به حج رویکردی با غلبه بحث سیاسی است و مباحث فرهنگی و اجتماعی در درجه دوم قرار دارد و بحث‌های مناسکی در آن بسیار کم است؛ چنان‌که در پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان در موضوع حج، سهم مناسک کمتر از پنج درصد است. رویکردهای مقام معظم رهبری به حج نیز مثل امام است و غلبه با رویکردهای سیاسی است و رویکردهای فرهنگی و مناسکی در حداقل است؛ ولی درباره زیارت، ایشان مطالبی در مورد اربعین و زیارت به طور کلی گفته‌اند که در آنها غلبه با بحث فرهنگی _ اجتماعی است؛ یعنی حتی بحث‌های معرفت‌افزایی و احساسی و هیجانی در آن کمتر است؛ اما در سازمان‌های ما از جمله سازمان حج و زیارت رویکرد، کاملاً مناسکی است؛ مثلاً روحانیان کاروان همه فقیه‌اند و برای توضیح مناسک آمده‌اند. به عبارت دیگر ارتباط زائران با روحانیان مبتنی بر بحث مناسک است و مناسک که تمام می‌شود، آنها دیگر هیچ ارتباطی با هم ندارند. این از مهم‌ترین بحث‌های ما درباره ضرورت‌ها است که رویکرد امام و رهبری به حج، رویکرد سیاسی و در برخی موارد فرهنگی _ اجتماعی است؛ ولی رویکرد سازمان عریض و طولی که برای این موضوعات درست کردیم _ اگر از غذا و اسکان و مانند آن



بگذریم _ رویکرد کاملاً مناسبی است.

بحث دوم که ضرورت موضوع را نشان می‌دهد، بحث ارتباطات میان فرهنگی است. به هر حال، ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که ارتباطات، تسهیل و زیاد شده و شناخت فرهنگی افزایش یافته است. زمانی محدودۀ تردد زائران ما در مکه هتل و حرم بود. جای دیگری نمی‌رفتند و ارتباطی با بدنه اجتماعی نداشتند؛ ولی الآن کاملاً این فضا شکسته شده و زائران ما به دورترین بازارهای مکه و حتی به بیرون از مکه می‌روند. این امر زمینه تعامل فرهنگی را فراهم‌تر کرده است. پس این طور نیست که محدودۀ تردد زائر فقط اطراف حرم باشد و بگوییم آنجا را کنترل می‌کنیم. زائر ما در کربلا به اقصی نقاط شهر می‌رود. این نکته مهمی است؛ یعنی تغییر و تحول فرهنگی و ارتباطات میان فرهنگی بحث را مهم می‌کند. در نظریه ارتباطات میان فرهنگی بحثی داریم به نام هوش فرهنگی. حضرت آقا تأکید می‌کنند بر اینکه هوش فرهنگی زائر را باید افزایش داد. ایشان توصیه می‌کنند که با سایر مسلمانان ارتباط بگیرید و سپس می‌فرمایند چون زبان بلد نیستید لازم نیست حتماً با آنها صحبت کنید؛ همان لبخندتان و همان مصافحه بعد از نماز کافی است. تأکید بر هوش فرهنگی کاملاً بحث را در جهت تعاملات و اثرگذاری و اثرپذیری و فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی پیش می‌برد که آن هم نکته مهمی است که ضرورت موضوع را بیشتر می‌کند.



مسئله دیگری که ضرورت این موضوع را بیشتر برای ما مشخص می‌کند، تغییر ماهیت سفر است. الآن سفرها دیگر فقط زیارتی و دینی نیست و چندبعدی شده است. زائران ما انگیزه‌های دیگری هم دارند که بخشی از آن فرهنگی است؛ به خصوص زائران نخبه ما که برخی از آنها ارتباطات فرهنگی برقرار می‌کنند یا چنان‌که آقای دکتر فرمودند سؤال فرهنگی می‌پرسند: خانواده و اشتغال شما چطور است؟ یعنی نگاهشان به خیابان و ساختمان و ماشین هم هست؛ ولی زائران قبلی چنین نگاهی نداشتند. به این جامعه‌شناسی فرهنگی جامعه مدرن باید توجه کرد. ما نمی‌توانیم با همان سازوکاری که زائران سنتی را تحلیل می‌کردیم، به این زائران نگاه کنیم. آنچه گفتیم، درباره بحث اول یعنی ضرورت موضوع بود که توجه بیشتری می‌طلبد و مهم‌ترین بخش آن به نظرم راهبردهای امام و رهبری در این زمینه بود. در صحبت‌های امام و رهبری درباره صدور انقلاب، بر ارائه چهره مثبت از انقلاب و ایران تأکید و تصریح شده است که به ما نشان می‌دهد باید برنامه‌ای فرهنگی داشته باشیم.

درباره آسیب‌های فعلی، دو استاد بزرگوار به نکاتی اشاره کردند که بخشی از آن را که سیاسی بود، دکتر زنگنه فرمودند و به آسیب‌های اقتصادی و بعضاً فرهنگی هم حاج‌آقای رحیمی اشاره کردند؛ ولی نوع دیگری از آسیب‌ها در تعامل زائران هست که



آن را «سبک دینداری» نامگذاری کرده‌ام. زائران ما در عراق و عربستان با سبک دینداری متفاوتی مواجه می‌شوند و برایشان این سؤال پیش می‌آید که آیا ما هم می‌توانیم جور دیگری دیندار باشیم؟ این برای ما زنگ خطر است. در جامعه‌شناسی دین، درباره افول جایگاه طبقه روحانیت به عنوان بیان‌کننده و مفسر دین در اروپا و در دوره رنسانس و پروتستانتیسم سخن گفته شده است که این رویداد البته بستر فکری و تاریخی دارد. در مورد زائران ما این مسئله وجود دارد که می‌بینند دینداری عراقی‌ها راحت‌تر است و به این فکر می‌کنند که شاید روحانیت ما آن را سخت کرده‌اند. روان‌شناسی ایرانی‌ها آن روابط خوب و گفت‌وگو و تعامل و اینهاست. در عربستان ما با سد بسیار بزرگی مواجه می‌شدیم و آن هم برخوردهای خشن نیروهای سعودی بود که ما یک لب‌خند از آنها ندیدیم. این سد برخورد عبوسانه مانع از اثرپذیری می‌شد که الآن دارد برطرف می‌شود و به تهدید بزرگی برای ما تبدیل می‌شود؛ چنان‌که زائران ما متوجه تفاوت‌های فرهنگی و سبک دینداری هستند و در این زمینه با شبهاتی مواجه‌اند که باید به آن به عنوان آسیب توجه کنیم.

بحث بعدی، سبک زندگی در عراق به طور کلی است. زائران ما با سبک زندگی متفاوت و در پی آن با تردیدها و علامت سؤال‌هایی مواجه می‌شوند. نهادهای ذی‌ربط باید به این مسئله توجه و در این زمینه اقدام کنند. در این مورد سه راهبرد به ذهن من رسید:



اول، لزوم افکارسنجی: ما هیچ‌گونه مطالعات افکارسنجی در مورد زائرانمان نداریم، نه در عتبات و نه در حج. این بسیار خطرناک است و اگر شما در دپارتمان علمی مثلاً در آمریکا یا اروپا بگویند در برابر این واقعه مهم و این جمعیت زائر هیچ مطالعاتی نداشتیم تعجب خواهند کرد. ما در برخی سال‌ها به جز زائران اربعین، دو میلیون زائر داریم. در سال‌های قبل دو میلیون عتبات داشتیم؛ قبل از روند جدید اربعین هشتصد هزار عمره داشتیم؛ همچنین حدود صد هزار حج یعنی تقریباً سه میلیون. ما هیچ‌گونه افکارسنجی درباره زائر اربعین که ثبت نام و سازمان‌دهی و اعزام می‌کنیم نداریم. ایران با کشورهای دیگر در امر حج و زیارت کاملاً متفاوت است؛ به جز اندونزی و ترکیه ما سازمان‌دهی حج و زیارت نداریم. دفاتر زیارتی این کار را انجام می‌دهند و عربستان هم به شدت متمایل است که این روند به کل دنیا سرایت کند؛ یعنی دفترهای گردشگری، مستقیم با عربستان مرتبط باشند. سهمیه بگیرند و ارتباط داشته باشند. این در اتمیزه کردن حجاج بسیار مؤثر است. در توضیح اتمیزه شدن می‌توان به کامیون شن مثال زد؛ دانه‌های شن کنار هم‌اند، ولی هیچ همبستگی و ارتباطی با هم ندارند. برخلاف ما که با ثبت نام و سازمان‌دهی حجاج را از اتمیزه شدن دور می‌کنیم. ما باید مطالعات افکارسنجی را به صورت جدی وارد این عرصه کنیم و بدانیم زائران اربعین ما چند گونه هستند، چه تفکری دارند و از چه طبقه‌هایی‌اند.



نکته دوم اینکه ما زائرانمان را از نظر مناسکی آماده می‌کنیم. در حج و در عمره، قبل و در حین آنها، جلساتی می‌گذاریم تا مناسک را به زائران بیاموزیم. این کاری لازم و ضروری است؛ اما آماده‌سازی فرهنگی حتی در مورد روحانیان در کار نیست. در بعثه چنین جلساتی در حال طراحی است و خود را در مقابل موانع و مشکلاتش آماده می‌کنیم؛ مثلاً با یکی از دوستان جلسه‌ای داشتیم که می‌گفت الآن دیگر زائران ما با این دست شبهات: چرا شما از مهر استفاده می‌کنید و قرآن شما قرآن غیر از ماست، مواجهه نیستند؛ بلکه حتی می‌توانند به آنها جواب بدهند. مشکل ما این است که مثلاً عراقی می‌گوید وقتی آمریکا به ما حمله کرد، ما فلان تعداد هواپیما به شما دادیم و شما از ما دزدیدید. آنها هم از شما می‌برند چه فرقی هست. ما با چنین چالش‌هایی مواجهیم که در مقابل، هیچ آماده‌سازی فرهنگی و سیاسی‌ای برای زائران و روحانیان کاروان نداریم. نهایت آماده‌سازی ما این است که طبق فرمایش آقا گفتیم زائران زیاد خرید نکنند و مدام به بازار نروند. آقا چند بار فرمودند قبیح است شما را موقع نماز در بازار ببینند! زائران ما بعد از نماز و ناهار، به خصوص اواخر سفر که زیاد به حرم رفته‌اند، به خرید می‌روند و خریدشان با نماز عصر مواجه می‌شود.

راهبرد سوم این است که فضای صرفاً دینی و ایدئولوژیک حج و عمره برای ما



به فضایی استراتژیک تبدیل شده است. ما در مورد حج به محیط‌کاوی راهبردی نیاز داریم. یعنی برای مطالعاتمان برای زائرانمان، در مراکز و نهادهای مرتبط، باید یک نوع تحقیقات و گروه‌هایی که محیط‌کاوی راهبردی انجام می‌دهند را داشته باشیم. موارد را آقای رحیمی فرمودند؛ مثلاً تفاوت فرهنگی یا نوع نگاه آن کشور به ما یا فضای سیاسی - اجتماعی؛ برای مثال آتش زدن کنسولگری ایران در نجف - شهری که به مراتب اهمیت راهبردی بیشتری از بغداد دارد - به این معناست که آمریکا می‌خواهد به ما این پیام را بدهد که پایگاه شما شیعیان یعنی نجف را می‌زنیم؛ یعنی شیعیان عراق می‌خواهند شما آنجا نباشید، نه سنی‌ها یا حزب بعث یا سکولارها و آمریکایی‌ها. البته خرده‌ای به نبود محیط‌کاوی راهبردی نمی‌توان گرفت؛ چون قبلاً عراق و عربستان برای ما این همه سیاسی و استراتژیک نشده بود، بلکه ایدئولوژیک بود و بحث شیعه و سنی مطرح بود. در نهایت اینکه سه راهبردی که گذشت، به نظر باید به برنامه‌ای عملیاتی تبدیل شود.

به دو نکته پایانی هم اشاره کنم. در حج و زیارت، ما با یک فرصت مواجهیم؛ از این جهت که زائران ما از طبقه متدین‌اند و برای گردشگری یا تفریح به حج نیامده‌اند و غالباً ارتباط خوبی با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی دارند. همان‌ها که در انتخابات رأی‌های انقلابی می‌دهند، همان‌ها به اربعین یا حج می‌آیند. این فرصت را باید غنیمت شمرد. ما



هر گاه زائران خاص به حج آوردیم بیشتر لطمه خوردیم؛ حتی از طیف روحانیان. یعنی تلفات عقیدتی و فرهنگی ما در حج یا از دانشجویان است یا از طلبه‌ها؛ شیعیان متمایل به وهابیت از طلبه‌ها هستند و ایرانی‌های متمایل به عربستان از دانشجویها.

به علاوه من نگاهی به اربعین دارم که با نگاه دو استاد بزرگوار متفاوت است. فضای اربعین (البته شاید بنده اشتباه می‌کنم) فضایی بسیار ایرانی است؛ یعنی آن شور و مناسک و حماسه و عزاداری، ایرانی است. بنابراین گاهی اصلاً به اثرپذیری فرهنگی فرصت نمی‌دهد؛ زائر ما آن یک هفته انگار در ایران است. از آنجا که موکب‌های ایرانی هم زیاد شده است، ما وارد بدنه اجتماعی عراق نمی‌شویم. من گمان می‌کنم اگر تعداد زائران بیشتر شوند از این جهت خوب است که جمعیتی ایرانی می‌رویم و برمی‌گردیم و اصلاً به عراقی‌ها بر نمی‌خوریم که بخواهیم اثر بگذاریم یا اثر بپذیریم. البته آسیب آن از سوی دیگر این است که ممکن است عراقی‌ها گمان کنند که ایرانی‌ها قصد دارند مدیریت اربعین را از آنها بگیرند، با موکب‌های خودشان، اتوبوس‌های مثلاً شهرداری مشهد یا ظرف‌های زباله شهرداری تهران. ما باید درباره پاسخ به شبهات سیاسی زائرانمان مطالعه کنیم. در پاسخ به شبهات کلامی - اعتقادی زائران به اندازه کافی کتاب و سی‌دی و سخنرانی داریم. کتاب‌هایی از جمله کتب کلامی و رمان نوشتیم؛ درحالی‌که نوع زائران ما کمترین اثرپذیری



را از مبلغان افغان و تاجیک دارند. بنابراین مشکل ما، مشکل سیاسی و فرهنگی است. باید سؤالات را استقصا و بررسی کنیم؛ مثلاً سؤالات درباره ساخت‌وساز یا خودرو یا نظام سیاسی را دسته‌بندی و تعدادشان را مشخص کنیم و بعد به آنها پاسخ دهیم. نمی‌توانیم به زائر اعتراض کنیم که چرا سؤال می‌پرسی؛ چون ذهن و تحلیل او تغییر کرده است. در صورت پاسخ نگرفتن آن سؤالات و شبهات، حج و اربعین که فرصت بسیار بزرگی است - هرچند در فقر راهبردی به سر می‌بریم - ممکن است در زمان‌هایی به تهدید تبدیل شود.

آقای رحیمی: قبل از جمع‌بندی، چند نکته بگویم. یکی در مورد سعودی؛ آنها طرحی را شروع کرده‌اند که بخشی از آن در سال ۹۸ انجام شد. طرحشان این است که تا آنجا که ممکن است، همه مراحل حج زائران کشورهای اسلامی مثل مالزی و اندونزی و کشورهای آفریقایی را خود سعودی پیش ببرد؛ به این صورت که از در خانه زائر در کنیا و کوآلالمپور و اندونزی چمدان و وسایل او را تحویل می‌گیرند، مقدمات را پیش می‌برند، ویزا را می‌گیرند و زائر را می‌آورند. در فرودگاه سعودی راهنمایی‌اش می‌کنند، سوار اتوبوس می‌کنند و به هتل می‌رسانند. این از برنامه‌هایی است که البته از دید ما تهدیدی جدی محسوب می‌شود و می‌توان آن را در مسیر «حج بلا مذاهب» تفسیر کرد.

در بحث تأثیرگذاری، مقام معظم رهبری امسال تأکید کردند که نماز جماعت را به



جای هتل‌ها در حرم بخوانید. بعثه نیز، علی‌رغم موانعی، این توصیه را پی‌گیری کرد. در زمان امام علیه السلام - من با چشم خود دیدم و آن را احساس کردم - هرچند ما در وهابیان تأثیر چندانی نمی‌توانستیم بگذاریم، شعارهای وحدت‌آمیز امام (مثل اینکه پشت سر آنها نماز بخوانیم یا از مهر استفاده نکنیم)، در آن فضا و آن دهه، بسیار در وهابیان تأثیر گذاشته بود. از جمله در آن سالی که کشتار شد، من با یکی از وهابی‌ها صحبت می‌کردم که نظر بسیار خوبی درباره ایران پیدا کرده بود.

نکته دیگر درباره تغییر فرهنگی تدریجی سعودی‌هاست. قشر جوان این کشور - چنان‌که در برخورد با پلیس و شهروند سعودی پیداست - با قشر سنتی متفاوت‌اند. این برای حاکمیت هم می‌تواند تهدید باشد و هم فرصت. از جهتی برای ما نیز می‌تواند فرصت تلقی شود؛ از این جهت که ما هم بتوانیم با شیوه‌های مناسبی بر قشر جوان سعودی تأثیر بگذاریم که بحث آن گذشت.

نکته دیگر اینکه استکبار جهانی و آمریکا در عراق امروز طرح نزاع شیعه - شیعه را پیش می‌برند که نمونه بارزش حمله به کنسولگری در نجف است. واضح نبود و مخفیانه و مودیانه پیش می‌رفت؛ مثلاً دو روحانی شیعه - که تحت القاءات آمریکایی‌ها بودند - علیه جریان حزب‌الله در لبنان یا عراق مصاحبه می‌کردند؛ ولی الآن این طرح کاملاً رسمی



و آشکار است. در کنار آن، نظام سنی - سنی را راه اندازی کرده اند که همان بحث قطر است که باز به نظر می رسد شاید فرصتی برای ما باشد؛ ولی به نظر می رسد این در دستور کار آمریکایی هاست.

دبیر جلسه: خیلی تشکر می کنم. شاید نتوان مطالب ارزشمند دوستان را جمع بندی کرد؛ ولی نکته ای وجود دارد و آن ضرورت است. به نظر می رسد در دوره جدید، مخصوصاً با تحولات هفته های اخیر، سیاست همسایگی جمهوری اسلامی یک بازنگری اساسی می طلبد. حج و زیارت موضوعاتی اند که به شدت در سیاست همسایگی ما تنیده اند. من هیچ به برگزاری اربعین سال آینده خوشبین نیستم. در پی تحولاتی که دارد رخ می دهد شاید حج جدیدی را شاهد باشیم که متأثر از نوع اتخاذ سیاست همسایگی ما در هفته ها و ماه های آینده خواهد بود. ما آمادگی داریم که به پژوهشکده حج یا سایر دستگاه ها در این زمینه کمک کنیم. مؤسسه ابرار - با بیست سال سابقه در این زمینه - می تواند متمرکز بر امنیت بین المللی و منطقه ای باشد. البته مؤسسه ما هم باید تغییر رویکردهایی بدهد؛ چون شرایط، بسیار حساس است و شاید این پیچ تاریخی از پیچ های تاریخی دیگر بسیار خطرناک تر باشد که دقت بیشتری می طلبد. خداوند توفیق دهد تا از این مرحله هم عبور کنیم. از همه دوستان تشکر می کنم و ان شاء الله در جلسات بعدی در خدمتشان باشیم.



آقای صباح زنگنه: بعد از جمع‌بندی، من سه - چهار نکته بگویم؛ چراکه واقعا احساس خطر می‌کنم. ما مجبور شدیم زنان را به ورزشگاه‌ها راه بدهیم که این نوعی تقلید از عربستان محسوب می‌شود. این موج‌های جدید را ما باید پیش‌بینی و تدبیر کنیم. عربستان حج را از روابط سیاسی جدا کرده است و این یعنی ایران همچنان محصور و محدود و جداسده و ایزوله‌شده در سیاست بماند. حج بالاخره امر و مراسمی دینی است که از سیاست جداست.

نکته بعدی اینکه معتقدم باید در مواجهه با مسئله عراق محتاط باشیم. عراق را کودکی تلقی کنیم و شبیه کودک با آن رفتار کنیم. نه زیاد تعریف کردن از آن مفید است و نه تشر زدن به آن، نه افراط و نه تفریط؛ چون در هر صورت عراق واکنش نشان می‌دهد. این امر نتیجه یک روند تاریخی چهارصدساله است و مربوط به دیروز و امروز و حزب بعث و مانند آن نیست. آقای علم‌الهدی، گاهی آقای ولایتی و گاهی آقای یونسی اظهاراتی درباره عراق کرده‌اند. به اعتقاد من مهم‌ترین توصیه این است که هیچ کاری نباید کرد، نه تعریف و نه توصیه. این به مردم عراق احساس کم‌شخصیتی یا تحقیرشدگی می‌دهد که دیگری به او توصیه کند. خدا به پیغمبر می‌گوید: نزدیک بود جانت گرفته شود از این اندوه که مردم ایمان نمی‌آورند. در این زمینه همان تبلیغ بس است. همچنین آمریکا و انگلیس و



عربستان و دیگر همسایگان علیه مرجعیت شیعه و ولایت فقیه تبلیغات منفی بسیاری کردند. یکی از شاخص‌های این بحث ولایت فقیه هست که سرایت مستقیم فرامرزی است، دخالت در همه جاست و احساس مسئولیت در برابر همه جهان است.

نکته سوم، مرجعیت نجف محدود است کاری به مسائل سیاسی ندارد؛ گاهی نصیحتی می‌کند و همه را دعوت به صلح و سازش می‌کند. این یکی از خطرناک‌ترین پروژه‌هایی است که در عراق پیش برده می‌شود. نه فقط اربعین، بلکه زیارت رجبیه، نیمه شعبان و عرفه را داریم. عراق آبستن حوادث بسیاری است.

آقای رحیمی: دوستان وزارت خارجه با آقای سیستانی ملاقاتی کردند. ایشان به آقایان چند توصیه کردند؛ از جمله در بحث اربعین و مواکب گفتند شما در عراق، آن را دولتی نکنید؛ چون ایشان و همچنین مردم عراق به چنین مسائلی حساس‌اند.





